



# نظریه پردازان توسعه نسل اول



استاد : دکتر دبیری مهر

- ▶ موج جدیدی از تحقیقات توسعه در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ درباره ملت های جدید آسیا و آفریقا انجام گرفت. که این برمه و... بدست آمد توسط : تک نگاره های ارزشمند درباره غنا ، نیجریه ، ساحل عاج ، ترکیه ، ایران ، هند ، ژاپن ، مالایا ، مایرون وینر (۱۹۶۲-۱۹۵۷) رابرت وارد (۱۹۵۹) جیمز کولمن (۱۹۵۸)
- ▶ لوسین پای (۱۹۶۲-۱۹۵۶) دیوید آپتر (۱۹۶۱-۱۹۵۵) دانکوارت روستو (۱۹۵۷)





# ۱. جامعه شناسان سیاسی

▶ در این دوره گروهی از دانشمندان علاقه مند به کمیت گرایی در رشته علوم سیاسی بودند و فرضیه هایی درباره رابطه بین جنبه هایی از نوسازی مثل صنعتی شدن و شهرنشینی و گسترش رسانه های گروهی از یکسو و بسیج سیاسی و گسترش دموکراسی را از سوی دیگر طرح کردند. از اینان می توان به

▶ دانیل لرنر-سیمور مارتین لیپست-جیمز کولمن-کارل دوپچ اشاره کرد.

فرضیه:

بسیج اجتماعی

بازگشت

## ۲. مورخان اقتصادی

بازگشت

## ۳. روان شناسان

این تاریخ نگاران در برخورد با دورنمای مسائل جهان سوم مطالب قابل توجهی به دست آوردند. می توان به آثار افراد زیر اشاره کرد.

دابیلو ای. لوییس  
سیمون کوزنتس  
والتر روستو و...

مورخان اقتصادی به مسئله تبعات تجربه ی صنعتی شدن کشورهای غربی بر جهان سوم توجه داشتند درحالیکه اقتصاددانان به راهبرد توسعه و برنامه ریزی و سرمایه گذاری در جهان سوم اهمیت می دادند.

برخی از اندیشمندان به عوامل روانی در فرایندهای توسعه اهمیت بیشتری می دادند. عوامل روانی از جمله دیدگاه ها، ارزش ها و ویژگی های شخصیتی افرادی مانند:

دیوید مک کلاند و شاگردانش

لرنر

هاگن

پای

جدیدتر از آنها الکس اینکلس

# ۴. جامعه شناسان

در میان نظریه پردازان توسعه برخی گمان می بردند همه نکات مثبت باهم می آیند یعنی علوم ، تکنولوژی ، صنعت و دموکراسی همه حلقه های تجزیه ناپذیر یک شبکه هستند و برخی مانند:

هیرشمن

اس.ان. آیزنشتات

ساموئل هانتینگتون

نوعی عدم توازن ، فروپاشی و فرآیندی طولانی برای حصول توسعه پیش بینی می کردند.

گروهی نیز به پیگیری سنت جامعه شناسی تاریخی و بر تاکید بر تخصصی شدن ساختاری و سکولار شدن فرهنگی پرداختند.

تالکوت پارسونز که تدوین کننده تلاش های مفهومی نظریه پردازان توسعه بود طرح بزرگ یکسان سازی علوم اجتماعی او تاثیر مهمی بر آثار توسعه در سطح خرد و کلان بر جای گذاشت

بازگشت

## ۶. مارکسیست های نو

این افراد با اندیشه های خود باب های جدیدی در مباحث توسعه گشودند.

آندره گوندرفرانک

پل باران

سمیرامین

کاردوزو

فالتو

والرشتاین

...

## ۵. نهاد گرایان

افراد دیگری به اهمیت نهاد هادر فرایندهای توسعه اهمیت می دادند.

نهادهای خاص مثل دیوان سالاری

(بریبانتی، آیزنشتات) یا

ارتباط متقابل بین نهاد ها (ساتن-ریگز-

شیلز-آلموند-آپترو و دیگران)

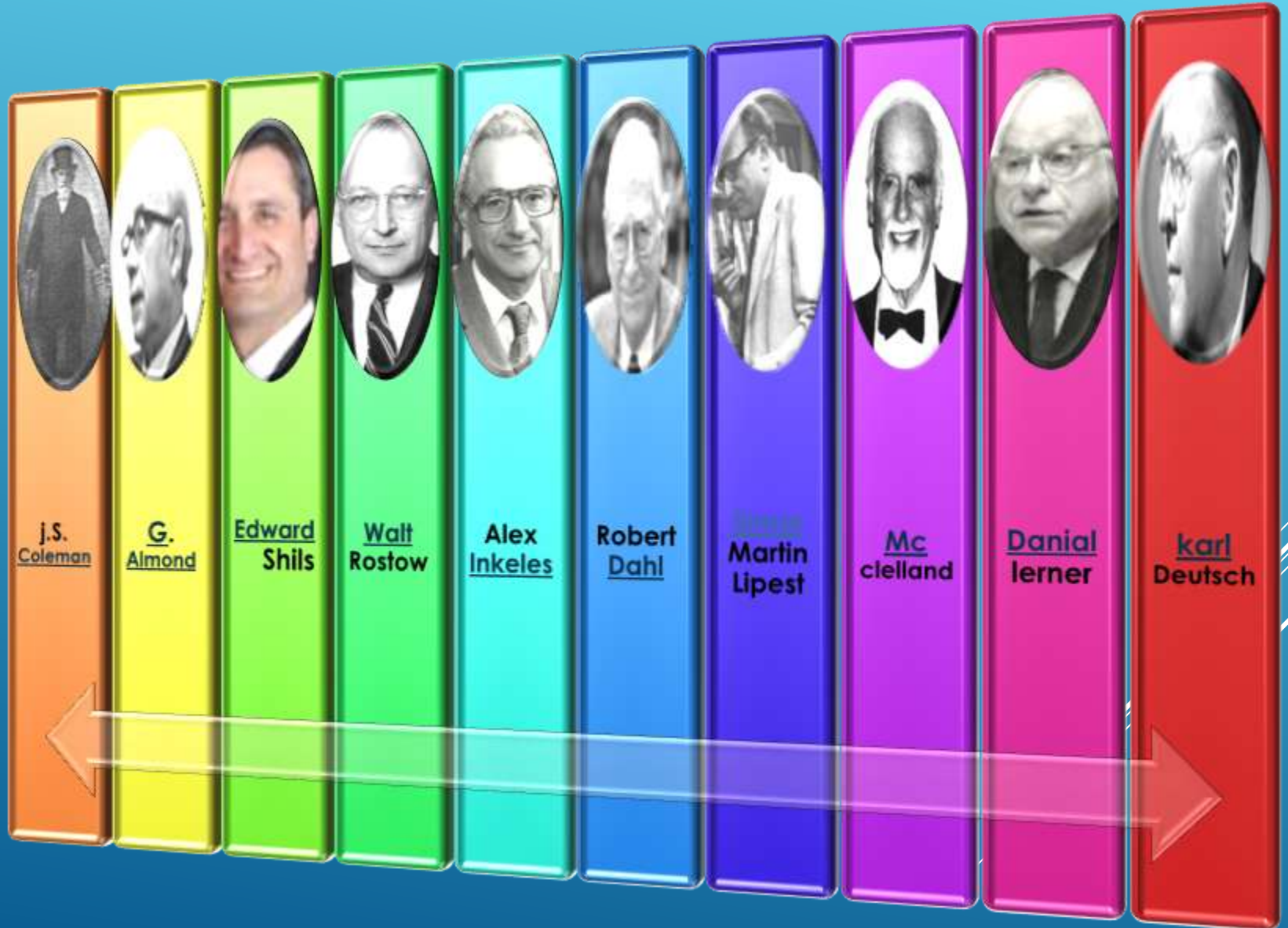
به جنبه های خرد و کلان توسعه و

نوسازی

اهمیت قائل بودند.

بازگشت

# نظريه پردازان نسل اول





# کارل دویچ

اولین کسی که اصطلاح بسیج اجتماعی را به کار برد از نظر او بسیج عملی است که نوسازی جامعه را تضمین می کند. و شاخص وضعیتی است که مردم در گذار از نوعی زندگی سنتی به زندگی جدید ، تجربه می کند  
اوپهرستی از چهار شاخص داده های اقتصادی مثل درآمد و داده های فرهنگی مثل سطح سواد و داده های جمعیتی مثل میزان شهرنشینی و داده های سیاسی مثل مشارکت در انتخابات فراهم کرد.

بسیج اجتماعی + همگونی فرهنگی = عقلانیت مدرن

هدف اولیه سیاست ← دستیابی به اهداف اجتماعی از طریق هماهنگی بین تلاش های انسانی است

کاهش شکاف نخبگان  
و مردم

ترکیب هنجارها و فرهنگ  
ها

ادغام و همگرایی سیاسی :

نتیجه نهایی نوسازی

مشارکت در عرصه های  
سیاسی اجتماعی اقتصادی

حل و فصل منازعات

به نظر شما هدف دویچ چه بود ؟

تا بتواند میزان بسیج جامعه را مشخص کند و در نتیجه بتواند سطح توسعه سیاسی آن جامعه را به دست بیاورد.

بازگشت

# دانیل لرنر

معروفترین مطالعات اولیه نوسازی توسط او بود. ازدیدگاه او نوسازی اروپا یک روند خطی را به صورت گذار از مراحل مشخص پشت سر گذاشته است که عبارتند از:



او بررسی فرایند نوسازی را به طور خاص از روستای بلغات ترکیه آغاز کرد و تحقیقاتش را از مردم روستا آغاز کرد. این تحقیقات باعث شد که او به این نتیجه برسد که انسان‌ها بر مبنای گرایش خود به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- نوگرا: دارای طرز فکر فرا محلی، شهرنشین، با سواد و مشارکت‌جو

۲- در حال گذار (تحول): حرکت به سوی آینده نامعلوم، ناهراسی از خطرات، فاقد سواد و قدرت جهت دهی به تمایلات خود

۳ سنتی: داری مشخصاتی کاملاً متضاد با فرد نوگرا

به نظر او نوسازی یعنی اول شهرنشینی، دوم سواد آموزی و سوم گسترش رسانه‌های عمومی

بازگشت

# مک کلند



مانند لرنر از دیدگاه فرد و خصوصا جنبه روان شناسانه او به بحث توسعه می پردازد.

## او می پرسد مسئولیت نوسازی اقتصادی جهان سوم بر عهده کیست ؟

به نظر او این سیاست مداران غرب نیستند که نقش مهم تر را بر عهده دارند بلکه بیشترین نقش را باید به کارفرمایان داخلی نسبت داد.

و به سرمایه گذاری روی عوامل انسانی بها داد و نه تنها اکتفا به زیرساخت های اقتصادی

**ره نمود مک کلند برای اعتلای توسعه اقتصادی در کشورهای جهان**

**سوم :**

باید انگیزه پیشرفت یا ضرورت پیشرفت را در میان کارفرمایان و مدیران صنعتی کشورهای جهان سوم تقویت کرد و می باید می دانست چگونه کمک های خارجی را به سرمایه گذاری های مولد تبدیل نمود.

# الکس اینکلس

محور تحلیل اینکلس تجدد روان شناختی است. اینکلس و دستیارش پرسشنامه هایی را در نیجریه- اسرائیل-بنگلادش-آرژانتین-هند-شیلی توزیع نمودند تا میزان نوگرایی افراد را ارزیابی کنند. اینکلس عمده ترین ویژگی های افراد نوگرا را چنین می گوید:

۱. آمادگی برای پذیرش تجربیات جدید
۲. داشتن استقلال هرچه بیشتر از چهره های صاحب اقتدار
۳. علم باوری (امکان غلبه بشر بر طبیعت)
۴. تحرک گرایی (صعود از نردبان شغلی و جاه طلب)
۵. استفاده از برنامه ریزی دراز مدت (پنج سال آینده)
۶. وارد شدن در سیاست مدنی (مشارکت در امور داوطلبانه و اجتماع محلی)

به نظر او آموزش و تحصیلات مهم ترین عامل پذیرش ارزش های نوین توسط مردم در کشورهای جهان سوم است.



# سیمور مارتین لیپست



اودر مقاله تحقیقی خود باعنوان «توسعه اقتصادی و دموکراسی» این سوال را طرح می کند:  
آیاتنهاجوامع مرفه هستند که می توانند دموکراسی را برپا دارند.

دموکراسی درپژوهش او به گونه ای از نظام سیاسی اطلاق می شود که به طور منظم فرصت های قانونی را برای  
تغییرمقامات حاکم ارائه می کند و به مردم اجازه می دهد تا از طریق انتخاب صاحبان مناصب سیاسی ، در تصمیم گیری  
های عمده اعمال نفوذ نمایند.

شاخص های توسعه اقتصادی از نظر لیپست :

۱- ثروت

۲- توسعه صنعتی

۳- توسعه شهرنشینی

۴- تحصیلات

# رابطه دال

دال دو کتاب در خصوص رابطه دموکراسی و توسعه اقتصادی به نامهای مقدمه ای بر نظریه ی دموکراسی و سیاست-اقتصاد و رفاه نوشته است. این دو اثر به این نتیجه رسیده اند

دموکراسی به گونه ای تدریجی و فقط در قالب پلی آرشی تحقق دارد. از نظر دال بازی سیاسی در هر جامعه مشروط به امکاناتی است که سطح توسعه ی آن جامعه به دست می دهد.

**پنج شرط مقدم بر پلی آرشی:**

- ۱- وجود پاره ای از اندیشه های اجتماعی
- ۲- حداقل اجماع عمومی
- ۳- رسیدن به تکثر اجتماعی
- ۴- گردش قوی نخبگان
- ۵- تفاوت اندک در توزیع ثروت و آموزش

# والت روستو

اونظریه خود را در کتابی با عنوان مراحل رشد اقتصادی ارائه کرد. دیدگاه او کاملاً ضد کمونیستی بود. روستو معتقد بود مراحل رشد اقتصادی کشورها عبارتند از:

**مرحله جامعه سنتی:** در این مرحله رشد تکنولوژی بسیار محدود است. یک جامعه سنتی جامعه ای است که شرایط لازم برای خیز در آن پیدانشده است.

**مرحله انتقالی:** از نظر روستو در این مرحله اول باید افزایش بازدهی در بخش اولیه پیدا شود مانند: افزایش تولید پشم، پنبه، ابریشم، چوب، نفت و... که تغییرات وسیع در بخش های حمل و نقل، کشاورزی و بازرگانی خارجی صورت گیرد.

**مرحله خیز و جهش:** خیز مدت زمانی است که طی آن نرخ سرمایه گذاری به گونه ای افزایش می یابد که تولید واقعی سرانه را افزایش می دهد. در نتیجه رشد شرط عادی خیز است. خیز در جامعه ای صورت می گیرد که بتواند با جدیت امکانات تازه عرضه رافراهم کند. (داشتن انگیزه ویژه). از نظر روستو خیز همان انقلاب صنعتی است.

**مرحله در راه بلوغ:** پس از مرحله خیز یک زمان بلند لازم است تا زمینه پیشرفت مداوم به وجود آید. نرخ رشد سرمایه گذاری این دوره ۱۰ تا ۲۰ درصد است که موجب می شود تا ازدیاد محصول به طور منظم افزایش جمعیت را خنثی کند این مرحله در راه بلوغ نامیده شد چون از نظر روستو بلوغ ۶۰ سال بعد از خیز به دست می آید.

**مرحله مصرف انبوه:** در این مرحله بخش های پیشگام به سوی تولید کالا یا خدمات مصرفی گرایش می یابند و درآمد به سطحی می رسد که تامین غذا و پوشاک و مسکن دیگر مسئله نیست و تولید لوازم لوکس زندگی افزایش می یابد.



...یک دهه بعد روستو در رساله سیاست و مراحل رشد مرحله ششم را اضافه کرد.

## ۶- جست و جوی کیفیت

روستو برای جهش به سوی رشد پایدار پیش نیازهای زیر را ضروری دانست:

رشد اقتصادی

توسعه ی اقتصادی که مستلزم تحول اقتصاد معیشتی، راکد و سنتی به اقتصاد سرمایه داری است

عرضه فراوان کار در بخش سنتی (فرآیند تحولی)

میزان تشکیل سرمایه که تابع سهم پس اندازها از درآمد ملی است

طبقه سرمایه دار کارآفرین که میل برای سرمایه گذاری در زمینه های سود آور دارند

ظهور طبقه ی کارآفرین

بخش اعظم درآمد ملی در اختیار طبقه سرمایه داران قرار گیرد

بازگشت



# ادوارد شیلز






شیلز در کتاب توسعه سیاسی در دولت های جدید می گوید هدف مشترک تمامی دولت های جدید و در حال پیشرفت متجدد شدن یا پویایی ، دموکراسی و مساوات طلبی می باشد. آن چه سد راه شکوفایی در جوامع جهان سوم می شود مجموعه




داده های نامناسب برای دموکراسی است.




شیلز پنج نوع نظام سیاسی را که به مسئله نوسازی تلقی می شود برمی شمارد :







بازگشت


 مبثنی بر وجود احزاب سیاسی	 نیروهای مسلح حافظ قانون	 اجماع در مورد قانون اساسی
--	--	---




 قوه قضائیه بی طرف	 دارای حق رای همگانی و قدرت زیاد است	 بهترین نوع نظام سیاسی است در انگلستان و آمریکا
---	---	---


 قوه مجریه مبتنی بر دیوان سالاری شایسته	 متعهد به ارزش های دموکراتیک است	 مقننه در حاشیه قدرت عمل می کند
--	---	--




 قوه مجریه مرکز و افقی قدرت است


 حکومت در کنترل نظامیان با غیر نظامیان است که در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگرند	 دیوان سالاری تسلط دارد و نظارت دموکراتیک در کار نیست	 قوه مقننه فاقد اعتبار است
--	--	---

 دستگاه قضایی بی طرف وجود ندارد

 دموکراسی و ارزش های آن کاملاً صوری هستند.	 یک جناح راست گرا حاکمیت دارد که به نوعی ایدئولوژی خاص تعهد دارد.	 قدرت در دست حاکمان
---	--	--

 حاکمیت قانون و بیطرفی قوه قضائیه وجود ندارد

 افکار عمومی شکل نگرفته و فرهنگ سنتی عامل مشروعیت حکومت است.	 مبتنی بر نظام پادشاهی مشروطه قدرتمند با عقاید مذهبی سنتی	 قوه مقننه جایگاهی ندارد و دیوان سالاری وجود ندارد.
---	--	--

 مخالفت با نظام سیاسی وجود ندارد و حاکمان نسبت خویشاوندی دارند.

۱. دموکراسی سیاسی:

۲. دموکراسی هدایت شده:

۳. الیگارشسی نوگرا:

۴. الیگارشسی توتالیتر:

۵. الیگارشسی سنتی:

بازگشت

# گابریل آلموند و جیمز اس . کلمن



کتاب سیاست در مناطق در حال توسعه ، ادغام مطالعات توسعه سیاسی در بطن نظریه کارکرد گرایی با دو عنصر **سازماندهی و کارکرد جامعه و نظام سیاسی** را به هم مشارکت می دهد. این نویسندگان نظام سیاسی را به **نظام کنش متقابل** تعریف کردند که کار ویژه های **ادغام و تطبیق** را از طریق توسل به تهدید یا اجبار فیزیکی مشروع به انجام می رساند.

۲ متغیر بنیادی توسعه سیاسی:

تخصص گرایی

استقلال

## وجه مشخصه جوامع سنتی با جوامع

### متعدد:

وجه مشخصه جوامع سنتی ساختارهای سیاسی گسیخته با کمترین حد تخصص گرایی است که عموماً به وسیله یک مرجع واحد انجام می پذیرد. برعکس جوامع متجدد به ساختارهای انحصاراً سیاسی (پارلمان ، حکومت ، احزاب سیاسی ، هیئت سیاسی ) با تقسیم کار مشخص مجهز هستند.

بازگشت



هادی  
کیخایی راد



احسان  
زابلی



براتعلی  
خمر

پاییز ۹۳

دانشجویان ارشد دانشگاه آزاد زاهدان